گزارش

علیرضا سزاوار

رادار گریزهای قانون گریز امریکا

استفاده از پهپادهای نظامی در زمان جنگ مجاز است اما امریکا در زمان صلح قانون را زیر پا گذاشته است

بخشی از حقوق بین‌الملل، معاهده شیکاگو و حقوق بشردوستانه بین‌الملل معطوف به پهپادهای نظامی است. در نوشتار حاضر ابتدا استفاده از هواپیماهای بدون‌سرنشین در زمان صلح و با توجه به اصل حاکمیت دولت‌ها و سپس به کارگیری آنها از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه حاکم بر توسل اولیه به زور و همچنین حقوق بشردوستانه را مورد بررسی قرار دادیم. در اثنای همین گفت‌وگو با حامد رسولخانی، حقوقدان با توجه به سالگرد ترور شهید سلیمانی، حمله پهپاد ایالات متحده امریکا علیه کاروان سردار شهید سلیمانی را هم مورد تطبیق حقوقی قرار دادیم تا حدالامکان جوانب حقوق بین‌الملل آن هم روشن شود.

تعریف هواپیمای بدون‌سرنشین در حقوق بین‌الملل چیست؟

هنگامی که سخن از پهپاد یا هواپیمای بدون سرنشین می‌شود؛ منظور هواپیمایی است که یا از راه دور و توسط نیروی انسانی کنترل می‌شود یا طبق برنامه‌ای که از قبل در سیستم آنها وارد شده است، عمل می‌کند. کارکرد نظامی هواپیماهای بدون سرنشین از حوادث ۱۱ سپتامبر و شروع آنچه در گفتمان مقامات امریکایی «نبرد علیه تروریسم» خوانده می‌شود، آغاز شده است. امروزه استفاده از پهپادهای نظامی به دلایل سیاسی و نظامی باید از نظر حقوق بین‌الملل ارزیابی شود.

استفاده از هواپیمای بدون‌سرنشین در زمان صلح و با توجه به اصل حاکمیت دولت‌ها تابع چه قوانینی است؟

حاکمیت دولت‌ها موجب می‌شود تا هر کشوری قوانین حاکم بر استفاده و بهره‌برداری از پهپادها را در قلمرو خودش، مطابق میل خود تعیین کند. اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها در منشور ملل متحد باید مورد توجه قرار گیرد که گاهی اینطور نیست. پیرو این اصل، استفاده از پهپادها در قلمرو یک کشور، در چارچوب حاکمیت دولت، از جمله اختیارات آن کشور محسوب می‌شود. برای مثال استفاده از پهپادها در جهت حفظ نظم و آسایش عموم، حفاظت و حراست از محیط طبیعی یا کنترل مرزها از جمله اختیارات یک دولت است که ریشه در حاکمیت آن دولت دارد.

بنابراین، استفاده از انواع هواپیماهای بدون‌سرنشین با کارکردهای غیرنظامی در قلمرو هوایی کشور دیگر، منوط به رضایت دولت سرزمینی و دادن اطلاع قبلی به آن است.

عملیات نظامی توسط یک دولت در قلمرو دولت دیگر در حقوق بین‌الملل چگونه تفسیر شده است؟

بدیهی است اعطای مجوز به هواپیماهای بدون‌سرنشین برای ورود به قلمرو هوایی یک کشور به معنای آزادی عمل این هواپیماها جهت انجام عملیات نظامی نیست. به این دلیل که هر نوع عملیات نظامی توسط یک دولت در قلمرو دولت دیگر در حقوق بین‌الملل فاقد مشروعیت بوده و بی‌تردید مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نقض یک حکم خواهد بود، مگر اینکه این قبیل اقدامات با رضایت دولت سرزمینی مربوطه انجام پذیرفته باشد.

در واقع مبنای حقوقی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی بر فراز قلمرو هر کشور، جلب رضایت دولت سرزمینی است که در این صورت باید اقدامات هواپیماهای بدون‌سرنشین در چارچوب ماده ۸ کنوانسیون شیکاگو باشد. این ماده از کنوانسیون شیکاگو مقرر کرده که هیچ هواپیمای بدون‌خلبانی نمی‌تواند بدون کسب مجوز از یک دولت متعاهد کنوانسیون بر فراز قلمرو آن به پرواز درآید و می‌بایست که این پرواز با رعایت شرایط مندرج در آن مجوز صورت گیرد. بی‌شک حملات هواپیماهای بدون سرنشین آن هم بدون رضایت کشور هدف، نقض حاکمیت آن کشور تلقی می‌شود.

استفاده از پهپاد در وضعیت صلح چه حکمی دارد؟

می‌توان گفت استفاده از پهپاد در زمان جنگ بر اساس قوانین حقوق بشر مجاز است اما این اقدام در زمان صلح مجاز نخواهد بود. در واقع حمله پهپاد به قلمرو یک کشور آن هم در حالتی که بین آنها حالت صلح وجود دارد، نقض قلمرو هوایی و در نتیجه نقض حاکمیت آن کشور به حساب می‌آید.

با عنایت به این موارد، از آنجایی که در زمان ترور سپهبد سلیمانی هیچ گونه مخاصمه مسلحانه‌ای میان دولت‌های ایران و امریکا یا عراق در جریان نبوده است، می‌توان حمله پهپاد امریکایی را نقض قلمرو هوایی و در نتیجه نقض حاکمیت دولت عراق به حساب آورد. مقامات عراقی نیز در این راستا سال گذشته اعتراض خود نسبت به نقض حاکمیتشان را ابراز داشتند.

حقوق مخاصمات حاکم بر توسل اولیه به زور از طریق هواپیماهای بدون‌سرنشین چیست؟

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد توسل به زور را منع می‌کند. البته منع تهدید به زور یا اعمال آن استثنائاتی دارد، من جمله فصل هفت منشور(اقدامات اجرایی دسته‌جمعی)، ماده ۵۱ منشور(دفاع مشروع)، ماده ۵۳ منشور(اقدامات اجرایی توسط سازمان‌های منطقه‌ای) و مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ منشور و همچنین اینکه یک دولت می‌تواند به درخواست دولت دیگر به اعمال زور در قلمرو آن دولت بپردازد یا ممکن است یک دولت به انجام عملیات دفاعی در سرزمینش با دولت خارجی رضایت دهد که مثال بارز این مدعا، عملیات‌های نظامی هواپیماهای بدون‌سرنشین امریکا در مقابله با گروه تروریستی داعش بود که با درخواست و رضایت دولت عراق و در خاک دولت عراق انجام گرفت. بنابراین، کاربرد زور جز در موارد استثنایی که حقوق بین‌الملل آن را پذیرفته، ممنوع شده است.

امریکا در برخی حملات پهپادی مدعی دفاع مشروع است. نهادهای حقوقی بین‌المللی در خصوص این مسئله چه نظری داشته‌اند؟

برای جلوه قانونی بخشیدن به توسل به زور توسط دولت‌ها از طریق استفاده از هواپیماهای بدون‌سرنشین بایستی اقدامات آنها را در قالب استثنائات بررسی کرد. در این بین و در ارتباط با حملات پهپادی ایالات متحده امریکا در موارد مختلف به خصوص پیرامون قضیه کاروان سردار شهید سلیمانی، دو استثنای «دفاع مشروع» و «درخواست یا رضایت دولت دیگر» قابل بررسی است.

در خصوص دفاع مشروع و شرایط آن تنها به یکی از بخش‌های مهم حقوق بین‌الملل اشاره می‌شود و آن اینکه تنها اگر یک حمله مسلحانه رخ دهد و نه در هیچ شرایط دیگر، می‌توان به دفاع مشروع متوسل شد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده نیکاراگوئه علیه امریکا به این امر تأکید کرده است که «اعمال حق دفاع از خود منوط به آن است که دولت مدعی حق، قربانی یک حمله مسلحانه بوده باشد.» این در حالی است که امریکا در استفاده از هواپیماهای بدون‌سرنشین حتی در مواردی که مخاصمه مسلحانه با کشور دیگر متصور نیست هم اقدامات خود را بر مبنای دفاع مشروع توجیه می‌کند.

ادعای دفاع مشروع امریکا در خصوص حمله به کاروان شهید سلیمانی چه توجیهی دارد؟ آیا موافقتنامه امریکا و عراق توجیه‌کننده است؟

در خصوص اقدام هواپیمای بدون‌سرنشین امریکا علیه کاروان سردار شهید سلیمانی نیز همین موضوع صدق می‌کند. بدین علت که مسلماً امریکا قربانی حمله مسلحانه‌ای که مستقیماً یا تحت کنترل ایران واقع شده باشد، نبوده است و مقامات رسمی امریکا هم در یک سال اخیر هرگز دلیل و مدرکی دال بر چنین موضوعی ارائه نکرده‌اند.

در قضیه سردار شهید سلیمانی و در ارتباط با استثنای «درخواست یا رضایت دولت دیگر» نیز موافقتنامه ۲۰۰۸ منعقده میان ایالات متحده امریکا و عراق حائز اهمیت است. اگرچه فعالیت امریکا در خاک عراق بر اساس موافقتنامه دوجانبه است، اما این موافقتنامه به واشنگتن اجازه نمی‌دهد آزادانه به مقامات کشورهای دیگر در خاک عراق حمله کند. موافقتنامه دارای مقررات مهمی است؛ به طور نمونه بر اساس ماده ۴ این موافقتنامه، تمام عملیات‌های نظامی که امریکا انجام می‌دهد باید با توافق دولت عراق باشد و بند دوم این ماده در ادامه اضافه می‌کند که چنین عملیات‌هایی باید پس از هماهنگی کامل با مقامات عراقی انجام شود. همچنین ماده ۲۷ موافقتنامه به صراحت اعلام می‌کند که حمله به هرشکلی از طریق حوزه صلاحیت عراق به کشورهای ثالث ممنوع است و این دقیقاً مخالف اقدامی است که ایالات متحده در ترور شهید سلیمانی در سوم ژانویه انجام داد.

> پهپادهای نظامی از جهت مکان، موضوع حمله و سلاح‌هایی که حمل می‌کنند چالش‌های حقوقی متعددی ایجاد کرده‌اند. حال آنکه مقررات آنها با هواپیماهای جنگنده یکسان است

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ارتباط آن با کاربرد هواپیماهای بدون‌سرنشین نظامی چیست؟

اگر در یک مخاصمه مسلحانه حمله‌ای از جانب هواپیماهای جنگی متعارف صورت پذیرد، قانونی بوده و تابع کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان حمله هواپیمای بدون‌سرنشین مسلح در خلال یک مخاصمه مسلحانه را نیز تابع این قوانین دانست. برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح‌ها باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است هر گاه دولت‌های متخاصم طرف معاهده حاوی منع کاربرد سلاح مورد نظر باشند، باید به معاهده و در غیر این صورت، به حقوق بین‌الملل عرفی رجوع شود.

در صورتی که این منبع حقوق بین‌الملل فاقد قاعده‌ای در مورد ممنوعیت استفاده از سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد. بمباران هوایی از طریق پهپادها یک شیوه نوین جنگی محسوب می‌شود که ممکن است کنترل آن از هزاران مایل دورتر صورت پذیرد.

استفاده از سلاح‌هایی نظیر پهپاد از نظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه چه جایگاهی دارد؟

استفاده از هواپیماهای بدون‌سرنشین به این دلیل که این پرنده‌ها ذاتاً به صورت کورکورانه عمل می‌کنند و در نتیجه استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف مثل سلاح شیمیایی از منظر حقوق بشردوستانه ممنوع است اما با به کار بردن سلاح‌های متعارف استفاده از پهپادهای نظامی در قوانین هیچ مانعی ندارد. چالش اصلی اما اینجاست که به دلیل رادارگریز بودن انواع زیادی از پهپادها برخی دولت‌ها می‌توانند با سوءاستفاده از قانون از این پهپادها در خاک دیگر کشورها عملیات انجام دهند که نقض معاهده شیکاگو و نقض مفاد متعددی از قوانین بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه است.

آقای فیلیپ آلستون، یکی از گزارشگران ویژه سازمان ملل نیز چنین نظری را تأیید می‌کند. از نظر وی، پرنده‌های بدون‌سرنشین در این رابطه چالش حقوقی خاصی را ایجاد کرده‌اند و مسئله مهم در این خصوص بررسی موردی موضوع با در نظر داشتن مجموعه اوضاع و احوال و شرایط حاکم در زمان حمله است.

به طور کلی کاربرد هواپیماهای بدون‌سرنشین در مخاصمات مختلف از نظر مکان و موضوع حمله و نیز سلاح‌هایی که حمل می‌کند، چالش‌های حقوقی متعددی و به تبع آن درگیری‌های دیپلماتیک و حتی نظامی را هم رقم‌زده است. با این حال مهم نوع سلاح‌هایی است که این هواپیماها حمل می‌کنند. در واقع، برخی از موشک‌ها و بمب‌هایی که به وسیله این ابزارها حمل می‌شوند، از انواع سلاح‌های مجاز نیستند. توسل به نیروی مرگ‌آور و کشنده و کاربرد چنین سلاح‌هایی با قدرت آتش سنگین، در قالب اجرای حقوق مخاصمات و از طریق حقوق بشردوستانه بسیار محدود شده است. بنابراین در صورتی که مهمات پرتاب شده از این پهپادها شامل تسلیحات ممنوعه مطرح شده در حقوق بین‌الملل همانند تسلیحات شیمیایی، تسلیحات بیولوژیکی، تسلیحات لیزری و... باشد، استفاده از پهپاد در مخاصمه جایز نیست.

پهپادها در ذات خود یک تهدید برای نقض قوانین بین‌المللی هستند؟

به باور برخی، مقررات ناظر بر استفاده از پهپادها در مخاصمات مسلحانه همان مقررات ناظر بر هواپیماهای جنگی است، اما این عقیده، به معنای چالش‌های یکسان هواپیمای جنگی و پهپادها نیست. ایالات متحده بر این عقیده است که چون «جنگ علیه تروریسم» است، استفاده از پهپادهای مسلح را قابل توجیه می‌داند که البته توسط بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل این استدلال رد شده است.

باید به این نکته نیز توجه کرد که هواپیماهای بدون‌سرنشین می‌توانند اصول حقوق بشردوستانه بین‌الملل را برآورده سازند و همیشه مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرند. ضمن اینکه پهپاد به معنای دقیق کلمه یک سلاح نیست بلکه در درجه اول یک سیستم انتقال سلاح است، از این رو پهپادها در ذات خود یک تهدید برای نقض قوانین بین‌المللی همچون حقوق بشردوستانه بین‌الملل نیستند بلکه سوءاستفاده و به عبارتی استفاده نادرست از این فناوری نوین شرایط غیرقانونی خواندن استفاده از آن را فراهم می‌کند.

پهپاد یک سیستم سلاح‌های غیرقانونی نیست بلکه از دید برخی محققان پهپادها کاملاً قادر به پاسخگویی به خواسته‌های اصول حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌الملل همچون اصول ضرورت، تمایز، تناسب، احتیاط و منع رنج بیهوده هستند.

وضعیت پهپاد ایالات متحده امریکا از نظر قوانین بین‌الملل در مورد کاروان شهید سلیمانی چگونه است؟

به نظر می‌رسد که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ذاتاً ممنوعیتی ندارد و این امر بیشتر بستگی به نوع سلاح‌ها و شرایط پیرامون عملیات آنها دارد منتها باید به صورت موردی و طبق اوضاع و احوال و شرایط عملیات مشروعیت استفاده از آنها را بررسی کرد.

بنابراین در خصوص قضیه سردار شهید سلیمانی نیز صواب آن است که به همین نحو عمل کرد، بدین صورت که میزان رعایت اصول حقوق بشردوستانه فوق توسط هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ داد که آیا در این مورد هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده امریکا قابلیت رعایت اصول فوق را داشته است یا خیر؟

نکته قابل توجه اینجاست که طبق بررسی‌های اکثر محققان و همانطور که سابقاً نیز اشاره شده است، می‌توان گفت هیچگونه مخاصمه‌ای مابین ایران و امریکا و نیز دولت عراق وجود نداشته است و از آنجایی که حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمات قابل اعمال است، بنابراین در کل نمی‌توان سخن از حقوق بشردوستانه و نقض یا رعایت آن به میان آورد و بنابراین در مورد سردار شهید سلیمانی، وضعیت پهپاد ایالات متحده امریکا کاملاً خارج از چارچوب نظام حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه قرار داد.

نگاه

محمدحسین مکرمی*

واکسیناسیون و قانون

واکسیناسیون اجباری و در مقابل آن واکسن‌ستیزی چالشی است که دنیای امروز با آن درگیری زیادی پیدا کرده است. حال این سؤالات مطرح می‌شود که اصلاً واکسیناسیون اجباری به چه معناست؟ چه انواعی می‌تواند داشته باشد؟ آیا دولت حق انجام چنین کاری را دارد؟ و در نهایت موافقان و مخالفان چه دلایلی را ذکر می‌کنند؟

واکسیناسیون اجباری به معنای عرفی آن به انواع مختلفی می‌تواند اعمال شود. گاهی دولت با وضع قوانین کیفری کسانی را که از واکسینه شدن اجتناب می‌کنند، مجازات می‌کند.

نمونه بارز آن در کشور ما تصویب قانون جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیر در سال ۱۳۲۰ بود که طبق آن کسانی که از آبله‌کوبی امتناع می‌کنند به حبس و جزای نقدی محکوم می‌شوند. اما حاکمیت در نوع خفیف‌تر واکسیناسیون اجباری، دیگر به وضع قوانین کیفری اقدام نمی‌کند بلکه در ارائه خدمات عمومی به کسانی که از این کار اجتناب می‌کنند، محدودیت ایجاد می‌کند.

مخالفان واکسیناسیون اجباری بعضاً تئوری‌های توطئه را مطرح کردند و به دولت‌ها یا شرکت‌های تولیدکننده واکسن بی‌اعتمادند. آنها دست کم نسبت به عوارض بلندمدت واکسن در تردید هستند.

از نظر آنها قانونگذار برای دولت یا شرکت‌های تولیدی واکسن هیچ‌گونه مسئولیت مدنی‌ای در جهت جبران آسیب احتمالی ناشی از واکسن‌زدن در نظر نگرفته و همین خلأ می‌تواند یکی از عوامل خودداری آنها برای واکسن‌زدن باشد. از منظر حقوقی نیز حق بر تمامیت جسمی یکی از انواع حقوق مربوط به شخصیت هر انسان است و بنابراین هرگونه تعرض جسمی و حتی مداوای طبی بدون رضایت شخص ممنوع است. با این حال گاهی این امر بنا به مصلحت اجتماعی به موجب قانون بر افراد تحمیل می‌شود. توضیح آنکه طبق اصل چهلم قانون اساسی که بر مبنای قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» است.

هیچ کس نمی‌تواند با استفاده از حق خویش به دیگران زیان برساند. یعنی سوءاستفاده از حق ممنوع تقریباً می‌توان گفت اصلاً هیچ حقی بی‌قید و بند و بدون محدودیت وجود ندارد (به جز حق خداوند بر مخلوقات که از این قاعده مستثناست.)

از منظر شرعی نیز بسیاری از جمله شیخ طوسی و امام خمینی(ره) بیان دارند که هرگاه بین مصالح جامعه با مصالح فرد تعارض یا تزاحمی پیش آید (طبق قاعده اهم بر مهم) مصالح عموم جامعه مقدم است. اینجاست که افراد نمی‌توانند از حق خود بر تمامیت شخصیت جسمی سوءاستفاده کنند چون در اینجا بحث جلوگیری از همه‌گیری ویروس و مصلحت عام مطرح است. اگر مسئولان این قصد را داشته باشند که برای امتناع کنندگان از واکسن مجازات تعیین شود، قانونگذاری مجلس لازم است؛ هرچند صرف اعمال محدودیت در ارائه خدمات عمومی نیاز به فرایند قانونگذاری مجلس ندارد.

اما نکته آنکه این اقدامات اجبارگونه برای جلوگیری از همه‌گیری کرونا و تأمین سلامت عمومی که طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی از وظایف دولت است به تنهایی کافی نیست. یعنی اعمال محدودیت

می‌بایست توأمان با اقدامات اقناعی در جهت تأمین سلامت عمومی به کار گرفته شود.

قانونگذار باید با درنظر گرفتن مسئولیت مدنی برای دولت و شرکت‌های واکسن، در قبال عوارض احتمالی واکسیناسیون تمهیداتی بیندیشد و با اقناع افکار عمومی(از جمله ایجاد شفافیت و پاسخ به شبهات) افراد بیشتری را ترغیب کند.

* دانشجوی حقوق و معارف دانشگاه امام صادق(ع)

دانستنی‌های حقوقی

رد مال در فروش مال غیر

فروش مال غیر، مسئله‌ای که خیلی از افراد ممکن است تا کنون با آن مواجه شده باشند. فروش مال غیر به معنای انتقال و فروش عین مال یا منفعتی مالی است که به خود شخص تعلق ندارد. به عبارتی بهتر در فروش مال غیر شخص نسبت به فروش مالی اقدام می‌کند که مالک آن نیست. در معامله‌ای که برای مال غیر انجام می‌شود، اگر شخص خریدار از موضوع آگاه باشد، یعنی بداند مالی که قصد خرید آن را دارد متعلق به شخص فروشنده نیست و مالک اصلی آن شخص دیگری است، با وجود این مال غیر را خریداری کند او نیز مجرم شناخته می‌شود و طبق مجازاتی که در مورد انتقال مال غیر وجود دارد با او برخورد می‌شود.

حکمی که در مورد رد مال در فروش مال غیر صادر می‌شود، تنها یک مورد از مجازات‌های در نظر گرفته شده برای این جرم است. بهتر است به این نکته توجه داشته باشید که فروش مال غیر از نظر قانون حکم کلاهبرداری را دارد. بنابراین مجازات در نظر گرفته شده برای آن نیز مشابه مجازاتی است که قانون برای جرم کلاهبرداری صادر می‌کند.

به طور کلی مجازات در نظر گرفته شده برای این جرم شامل حبس که به مدت یک تا هفت سال است و رد مال به صاحب اصلی مال می‌شود. ناگفته نماند که در قانون جدید که در خصوص کاهش مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مجرمان است، حداقل و حداکثر حبس را به نصف کاهش داده است.

سؤالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که آیا هر شرایطی شامل حکم رد مال در فروش مال غیر می‌شود یا خیر؟ در برخی شرایط ممکن است شخصی که مالک مال محسوب می‌شود از فروش مال خود توسط شخص دیگری مطلع باشد.

به گزارش تارنمای معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه، در چنین شرایطی که خود شخص مالک از معامله انجام شده به طور کامل مطلع است، حکم چه می‌شود؟ از دیگر شرایطی که ممکن است در چنین پرونده‌هایی رخ دهد این است که مالک اصلی مال با شخصی که قصد فروش مال غیر را دارد با یکدیگر هماهنگ هستند.

به عبارت بهتر مالک اصلی مال و شخصی که قصد فروش مال غیر را دارد، شریک جرم یکدیگر هستند. در چنین شرایطی باز هم باید اصل مال فروخته شده به مالک اصلی برگردانده شود یا خیر؟ همه این سؤال‌ها در مورد رد مال در فروش مال غیر وجود دارد. با ما همراه باشید تا در مورد شرایطی که به آن انتقال مال غیر گفته می‌شود، اطلاعات بیشتری کسب کنید.

فروش مال غیر به شرایطی گفته می‌شود که در آن شخصی نسبت به فروش مال یا منفعت مالی اقدام کند که مالک آن نیست. در فروش مال غیر مالک اصلی از فروش مال خود توسط شخص دیگری مطلع نیست. در چنین شرایطی قانون برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، مجازات در نظر می‌گیرد. علاوه بر مجازات در نظر گرفته شده برای افراد مجرم مال باید به صاحب اصلی آن بازگردانده شود.

برای شکایت در مورد انتقال مال غیر می‌توانید به دادسرای عمومی و انقلاب مرجع صالح مراجعه کنید. با پیگیری از این طریق می‌توانید نسبت به بازپس گرفتن مال خود اقدام کنید.

پس از انتقال مال غیر در صورت مطلع شدن مالک اصلی بهترین راه برای بازگرداندن مال از دست رفته این است که مالک اصلی مال، مالکیت خود را به دادگاه ثابت کند. پس از اینکه مالکیت صاحب اصلی ثابت شد، نوبت به آن می‌رسد تا فروش آن توسط متهم که مالک اصلی نیست نیز ثابت شود.

اثبات مالکیت شخص روی مال به این معناست که شخص در دادگاه این موضوع را به اثبات برساند که نسبت به مال ادعا شده از نظر قانونی دارای حق عینی و مالکیت است. بهتر است بدانید در مورد پرونده‌هایی که در مورد انتقال مال غیر وجود دارد، مهم‌ترین رکن آن این است که شاکی مالکیت خود نسبت به مالی را که متهم آن را فروخته است، ثابت کند.

در فروش مال غیر مالک اصلی از این معامله بی‌خبر است. در صورت مطلع بودن مالک اصلی، خود او نیز مجرم محسوب می‌شود. اگر مالک اصلی از فروش مال خود توسط شخص دیگری مطلع نباشد، می‌تواند بنا بر قوانین از شخصی که مال او را بدون اجازه فروخته است، شکایت کند. رکن اصلی شکایت و اثبات ادعا این است که مالک، مالکیت خود نسبت به مالی را که بدون اطلاع او فروخته شده است، ثابت کند.